

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٢٨٤ / ١٢ / ١٥

٩١٢٧٧



وزرات علوم و تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه تاریخ

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد

تاریخ ایران دوران اسلامی

نظام قضایی حکومت ایلخانان

نگارنده

پروین رستمی

استاد راهنما

دکتر ذکراالله محمدی

اساتید مشاور

دکتر محسن بهشتی سرشت و دکتر محسن عینی

آذر ۱۳۸۶

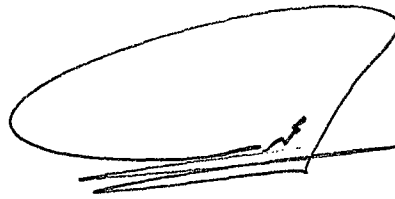
۹۸۸۷۷

کتابخانه اطلاعات آزاد اسلامی
موسسه تخصصی

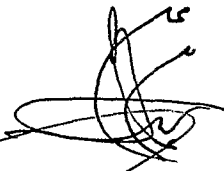
۱۳۸۶ / ۱۲ / ۱۵

بسمه تعالی

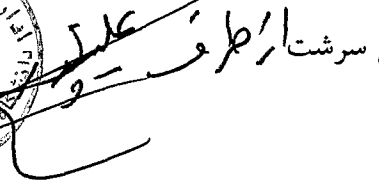
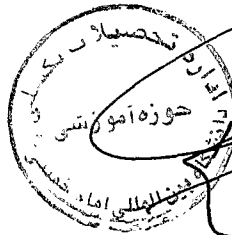
جلسه دفاع از پایان نامه خانم پروین رستمی با عنوان نظام قضایی حکومت ایلخانان روز یکشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۶ در آمفی تئاتر علوم پایه برگزار گردید و با درجه عالی مورد تایید هیات داوران قرار گرفت.



استاد راهنما: دکتر ذکراالله محمدی



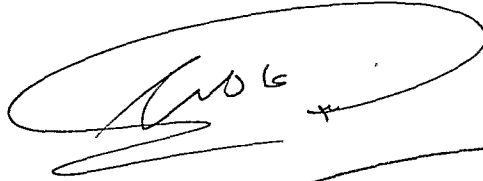
استاد مشاور: دکتر محسن عینی



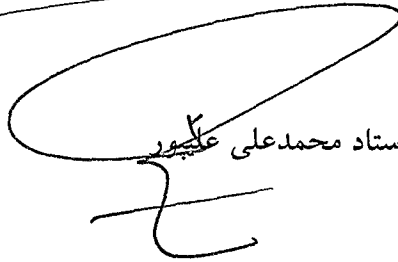
استاد مشاور: دکتر محسن بهشتی سرشت



داور خارجی: دکتر اسماعیل حسن زاده



داور داخلی: دکتر باقرعلی عادلفر



نماینده تحصیلات تکمیلی: استاد محمدعلی گلپور

تقديم به:

يگانه ايتار مادرم

و

برترين پشتيبان پدرم

با تشکر و سپاس از الطاف و زحمات بی شائبه استاد راهنمای ارجمند جناب آقای دکتر محمدی که این مسیر را با رهنمائیهای دلسوزانه خویش، بر اینجانب هموار نمودند. و با قدردانی از رهنمودهای اساتید مشاور محترم جناب آقای دکتر بهشتی سرشت و دکتر عینی. و نیز از دوست خوبم خانم مهندس سارا عرب که در این مقطع همراهم بود.

چکیده

در دوران ایران باستان آئین زرتشتی و پس از اسلام، دین اسلام و احکام قرآن منشا احکام و قوانین بودند. ساختار قضایی اسلامی از سازمان قضایی دوران باستان بسیار تاثیر پذیرفت. محاکم شرعی دوران اسلامی، (بر اساس سازمان قضایی ایران در دوره باستان) قاضی القضاة که همانند موبدان موبد در رأس این ساختار قرار می گرفت و بعد از آن قاضی، نایب قاضی و به تاثیر از قوانین فقهی اسلامی، شهود، وکلاء، امناء قاضی و... تشکیل می شد، این ساختار تا هجوم مغولان و تشکیل حکومت ایلخانی وجود داشت و بعد از این دوران سیستم قضایی اسلامی- ایرانی- مغولی روی کار آمد. همراه با ورود مغولان، یاسا که قوانینی بود بر اساس آداب و رسوم آنها و نیز آنچه که چنگیزخان ایجاد کرده بود نیز وارد ایران شد. محاکم آنها یارغو نام داشت که بر اساس یاسا، احکامشان را صادر می کردند، اما با توجه به تساهل مذهبی مغولان، آنها محاکم شرع را برای مردم باقی گذاشتند و یارغو را برای مغولان و صاحب منصبان غیر مغولی به کار گرفتند. تسلط مغولان بر مردم ایران و اوضاع آشفته آنروزگار باعث رواج عرف و آداب و رسوم نیز شد و محاکمی دیگر در کنار محاکم شرع و یارغو به وجود آمدند چون دیوان حکمیت که کمتر بر اساس احکام شرع و بیشتر بر اساس عرف و عادت حکم صادر می کردند و امارات اولوس و اولکاء، محاکمی برای مغولان برای عدم مراجعه به یارغو ایجاد شد. بعد از اسلام آوردن ایلخانان و نیز پس از سقوط آنان نقش محاکم غیر شرعی مغولی هر چه بیشتر کمرنگ تر شد و محاکم شرعی و قوانین اسلام جایگزین آنها شدند تا جایی که در دوره صفویان دیگر چیزی از آن ها باقی نماند.

کلید واژه: نظام قضایی، ایلخانیان، ایران، اسلام، شرع، عرف، یاسا، یارغو، محکمه، مغول

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۳.....	کلیات تحقیق
۶.....	نقد و بررسی منابع و مآخذ
	بخش اول: نظام قضایی ایران قبل از ایلخانان
	فصل اول: نظام قضایی ایران پیش از اسلام
	۱- منابع قضاوت
۱۱.....	الف) منابع احکام قضایی
۱۴.....	ب) احکام و قوانین
	۲- سازمان قضایی
۱۶.....	الف) سازمان قضایی
۱۹.....	ب) آیین قضاوت
۲۱.....	ج) مقامات و مناصب قضایی
	۳- جرایم و مجازاتها
۲۳.....	الف) جرایم
۲۴.....	ب) مجازات
	فصل دوم: از صدر اسلام تا قرن دوم هجری
۲۶.....	الف) دوران پیامبر اسلام(ص)
۲۸.....	ب) خلفای راشدین
۳۰.....	ج) خلفای بنی امیه
	فصل سوم: از قرن دوم تا ایلخانان
۳۳.....	الف) خلفای بنی عباس و حکومت‌های ایرانی
۳۸.....	ب) تاثیر دین و مذهب در شکل‌گیری سازمان قضایی
۴۰.....	ج) مجازات‌های اسلامی
	ح) سازمان قضایی
۴۳.....	دیوانها و سازمان‌های قضایی
۴۳.....	۱- دیوان قضا
۴۹.....	۲- دیوان مظالم
۵۲.....	۳- دیوان محتسب

۵۶.....	۴- دیوان شرطه
۶۰.....	زندان
۶۲.....	۵- دیوان اوقاف
۶۳.....	۶- ردّ مظالم
۶۴.....	۷- سازمان نقابت
۶۶.....	(د) آیین قضاوت
۶۶.....	۱- آیین قضاوت
۶۹.....	۲- شروط انتخاب یک قاضی و وظایف او
۷۰.....	۳- اجرای دادنامه
۷۱.....	۴- پژوهش
۷۱.....	نتیجه

بخش دوم: نظام قضایی حکومت ایلخانان مغول

فصل اول: وضعیت قضایی عصر مغول

۷۳.....	۱- قوانین یاسا
۸۶.....	۲- مجازات
۸۹.....	۳- اوضاع قضایی
۹۱.....	(الف) قوانین مغولی در ایران اسلامی
۹۹.....	(ب) وضع دادرسی محاکم و فساد و بیعدالتی در روزگار مغول
۱۰۱.....	(ج) اصلاحات غازان در قوانین قضایی و روند قضاوت

فصل دوم: محاکم شرعی و غیر شرعی

۱۰۹.....	۱- محاکم شرعی
۱۲۱.....	۲- محاکم غیر شرعی
۱۲۱.....	(الف) دیوان یارغو
۱۲۶.....	(ب) دیوان حکمیت
۱۲۶.....	(ج) امارت اولوس

فصل سوم: مناصب مرتبط با محاکم شرع

۱۲۸.....	حکومت تولیت اوقاف
۱۳۲.....	عاملی زکات
۱۳۲.....	حاکم بیت المال
۱۳۳.....	متصرفی جزیه
۱۳۳.....	امیر حاج
۱۳۴.....	محتسب

- ۱۳۵..... نقیب النقبایی سادات
- ۱۳۶..... راهداران و تتغاولان
- ۱۳۷..... ملک التجار
- ۱۳۷..... متصرفی دیوانی و غیر دیوانی
- ۱۳۸..... اسفہسالار ممالک
- ۱۳۹..... شحنه (باسقاق)
- ۱۴۰..... نتیجه
- ۱۴۳..... کتابشناسی

در دوران باستان ایران، احکام قضایی و به تبع آن نظام قضائی با توجه به دین زرتشت و موبدانی که متولی آن بودند شکل گرفت و دین مدار نظام قضایی و حقوقی قرار گرفت. پس از سقوط امپراطوری ساسانی در ۶۴۰ میلادی دین اسلام و احکام قضایی آن به تدریج در همهٔ زمینه‌ها جایگزین نظام حقوقی زرتشتی شد و یکی از علل عمدهٔ گرایش ایرانیان به دین اسلام، شعار حق طلبی و رعایت عدل و داد و دعوت مردم به برادری و برابری بود.

قبول آئین جدید توسط ایرانیان، تحولی شگرف در زندگی آنها ایجاد کرد. تحولی که چون از اعتقاد آنان سرچشمه می‌گرفت تمام زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و قضایی را دگرگون کرد. نظام قضایی در این دوران شکلی یکنواخت به خود گرفت اما با توجه به عوامل سیاسی و اجتماعی متولیان نیز تغییر می‌یافتند. و در واقع آیین و شیوهٔ زمامداران در حکومت و ادارهٔ کشور، در روند دادرسی تاثیرات بسزایی داشت و با توجه به زمامداران عادل یا ظالم، قضاتی همانند آنان بر روی کار می‌آمدند. و می‌توان گفت که نظام حقوقی که پایهٔ نظام قضایی هر جامعه‌ای می‌باشد با توجه به شرایط و از جمله شرایط اقتصادی و اجتماعی آن جامعه، شکل می‌گیرد و فقهای مسلمان نیز احکامی با توجه به شرایط مذکور صادر می‌کردند.

حمله و هجوم مغولان به ایران در ۶۱۶ق / ۱۲۱۹م نظام قضایی در ایران را با دوران پیشین آن متفاوت کرد. تا این زمان ایران بخشی از جهان اسلام بود و احکام شریعت بر آن جاری بود. و کسی حتی خلیفه و سلطان نیز حق وضع قوانین جدید را نداشتند. اما پس از حملهٔ مغول، نظام شرع و فقه اسلام از رونق افتاد و اگر چه مغولان میان ائمه، فقها، قضاة و مردم عادی تفاوت قائل شده و آنها را نمی‌کشتند اما بسیاری از آنان نیز در این هجوم از بین رفتند و مساجد و مدارس و دارالقضاها از بین رفتند. در آن آشوبی که رخ داد محاکم شرع تعطیل شد و تا استقرار مجدد آن مدتی طول کشید و مردم مجبور بودند برای حل قضایای خود به مغولان و قوانین آنها مراجعه کنند و مغولان نیز خود به وضع قوانین جدید پرداختند و از اینکه آن قوانین بر خلاف احکام شریعت باشد توجهی نداشتند و نه تنها در امور قضایی بلکه در سایر موارد سیاسی، مالی، دیوانی نیز قوانین آنها به کار رفت، اما باز هم دیوانسالاران ایرانی همانطور که در هنگام ورود مسلمانان به ایران و عدم آشنایی آنان با نظام دیوانی، امور دیوانی را بدست گرفتند در این دوره نیز همینطور شد و کم کم قوانین ایرانی و اسلامی جاری شد. اما تأثیری که مغولان بخصوص در نظام قضایی داشتند رواج هر چه بیشتر عرفیات بود و مردمی که در این دوران از ستم و جور و مالیات بالای آنان سر خورده شده بودند به دنبال راه گریزی نیز از

احکام شرع بودند و محاکمی در راستای محاکم شرع ایجاد شد و نوعی قضاوت دوگانه صورت می‌گرفت. که در ششصد سال پیش آن وجود نداشت.

پژوهش حاضر که در رابطه با نظام قضایی دوره مذکور است به دو بخش کلی تقسیم می‌شود، بخش اول نظام قضایی ایران است از باستان تا ورود مغولان به ایران و تاسیس حکومت ایلخانی مورد بررسی قرار می‌دهد. اما بخش دوم به نظام قضایی حکومت ایلخانان می‌پردازد. بخش اول شامل پنج فصل است: فصل اول، دوران باستان را بررسی می‌کند و نظام و احکامی که در این دوران بوده است. فصل دوم و سوم هم قضاوت را از صدر اسلام تا قرن دوم هجری بررسی می‌کند و فصل سوم از قرن دوم به بعد است که توضیح مختصری دارد و همچنین به تأثیراتی که دین و مذهب در شکل‌گیری سازمان قضایی از این دوران به بعد داشته و پایه مجازات‌های اسلامی نیز پرداخته شده است. در این فصل به سازمان قضایی توجه می‌شود. دیوان قضا و سایر سازمان‌هایی که وابسته به دیوان قضا هستند آمده است. و همچنین آیین قضاوت و رسوم و آیین‌هایی که در دادگاه‌های این دوره به کار می‌رفته است می‌باشد.

بخش اول در واقع بیانگر چگونگی نظام قضایی ایران قبل از حمله مغول و تاسیس حکومت ایلخانی می‌باشد تا با مطالعه آن تغییراتی که در این دوره رخ داده است، ملموس تر باشد.

اما بخش دوم، بخش اصلی است که به نظام قضایی حکومت ایلخانان می‌پردازد. این بخش به سه فصل عمده تقسیم می‌شود. فصل اول با عنوان اوضاع قضایی روزگار مغول است که در زیر مجموعه آن ابتدا به قوانین یاسا توجه شده که قوانینی کاملاً مغایر با قوانین اسلام و احکامی بدوی می‌باشد و قبل از پرداختن به اوضاع قضایی ایلخانان آشنایی با این قوانین لازم است. مجازات‌هایی که در این دوران به کار رفته با توجه به یاسا است و می‌توان مقایسه‌ای بین مجازات‌های اسلامی که تعریف شده است با این مجازات‌ها کرد. اوضاع قضایی این دوره در چند زیر مجموعه آمده است چون قوانین مغولی که در ایران رواج یافت و بر خلاف احکام شریعت بود و توضیح داده می‌شود. اوضاعی که محاکم این دوره داشتند و معمولاً توأم با بی‌عدالتی بود و فساد کل این مجموعه را گرفته بود به طوریکه به هنگام روی کار آمدن غازان، تصمیم به اصلاحاتی در این زمینه گرفت و آن را در رأس اصلاحات خود قرار داد.

فصل دوم به محاکم توجه دارد. محاکمی که از یک طرف بر اساس احکام شرع بود و مسلمانان به آن مراجعه می‌کردند و محاکمی که تحت عنوان غیر شرعی تقسیم‌بندی شده‌اند محاکمی هستند که خاص مغولان (و البته در دیوان یارغو بزرگان ایرانی نیز محاکمه می‌شده‌اند) بود. فصل سوم به

بررسی مناصب مرتبط با محاکم شرع می‌پردازد که اگر چه در دستگاه قضائی نبودند ولی به نحوی به روند قضایی این دوره کمک می‌کرده‌اند.

کلیات تحقیق:

تعریف مساله:

بدون تردید نظام قضایی هر دوره‌ای یکی از مقوله‌های بسیار مهم و در عین حال قابل توجه آن دوره می‌تواند بحساب آید. در دوره ایلخانان نیز سیستم قضایی خاصی شکل گرفت که دارای ویژگیهای خاص خود بوده است. ایلخانان با استفاده از شیوه تسامح و تساهل رایج خود، سعی کردند برای ایجاد امنیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، دینی، اجتماعی و... از قوانین دین اسلام، ایران باستان، چین و قوانین قبیله‌ای خود به نحو احسن بهره بگیرند و سیستم قضایی مطلوب خود و متناسب با زمان خود ارائه نمایند.

طرح سوالهای اصلی تحقیق:

- ۱- نظام قضایی ایران در دوره ایلخانان از چه نوع سیستم قضایی برخوردار بود؟
- ۲- میزان تاثیر قوانین اسلام و نیز حکومت‌های بعد از اسلام ایران از قبیل سامانیان، سلاجقه و... در شکل و محتوای نظام قضایی ایلخانان چگونه و به چه میزان بوده است؟
- ۳- میزان تاثیر قوانین چین آداب و رسوم و یاساهای مغولی در مقوله فوق الذکر چه مقدار بوده است؟

فرضیه‌های اصلی تحقیق:

- ۱- نظام قضایی ایران در دوره ایلخانان متشکل و آمیخته‌ای از دو سیستم قضایی اسلام - ایران و مغولی - چینی بوده است.
- ۲- در شکل و محتوای نظام قضایی ایلخانان هم قوانین دین اسلام و هم قوانین اصیل ایرانی تاثیر بسزایی داشته است.
- ۳- در شکل و محتوای نظام قضایی ایلخانان قوانین و آداب و رسوم مغولی و چینی نیز بی تاثیر نبوده است.

سوابق پژوهشی موضوع:

در رابطه با این موضوع، تا بحال تحقیق مستقلی انجام نگرفته است. هرچند در برخی تحقیقات و مطالعات دهه‌های اخیر به صورت پراکنده به آن اشاراتی رفته است.

بیان روش و مراحل انجام کار تحقیق:

روش انجام تحقیق به لحاظ تاریخی بودن موضوع، توصیفی و تحلیلی خواهد بود و بالطبع از شیوه کتابخانه‌ای بهره گرفته خواهد شد. مراحل انجام کار عبارتند از: ۱- تهیه طرح اولیه و چارچوب کلی پایان‌نامه ۲- شناسائی منابع و مآخذ پایان‌نامه ۳- مطالعه و فیش برداری از منابع مذکور ۴- دسته‌بندی فیش‌ها ۵- جرح و تعدیل فیش‌ها ۶- ویرایش و تکمیل چارچوب پایان‌نامه و فصول آن ۷- تدوین پایان‌نامه.

نتایج علمی قابل پیش‌بینی از تحقیق:

نتیجه علمی که از این تحقیق می‌توان ارائه داد این است که می‌تواند گوشه‌ای از تاریخ گذشته را روشن سازد. چگونگی و مراحل انجام قضاوت را در آن دوران ریشه‌یابی کرد و تاثیراتی را که در دورانه‌های بعد از آن داشته است شناخت.

بررسی منابع و مأخذ

در این پایان نامه از منابع متعدد و متنوعی استفاده شده است اما برخی از آنها نه تنها دارای اطلاعات غنی تری بوده‌اند بلکه مستقیماً و در راستای پژوهش حاضر بوده‌اند و از آن بیشترین بهره گرفته شده است. در اینجا به نقد و بررسی بعضی از آنها می‌پردازیم.

جهانگشای جوینی: یکی از مهمترین و معتبرترین منابع قرن هفتم در مورد مغولان، جهانگشای جوینی، تالیف عظاملک جوینی است. او یکی از دولتمردان و دیوانسالاران این عهد بوده است. کتاب وی در سال ۶۵۸ق به پایان رسید. جهانگشا در سه جلد نوشته شده است. جلد اول آن تاریخ چنگیز و نخستین اردوکشیهایش و فرزندانش تا مرگ کیوک خان می‌باشد، جلد دوم تاریخ خوارزمشاهیان و جلد سوم حکومت منگوقان و لشکرکشی هلاکوخان و ظهور اسماعیلیه و ذکر قلاع و سقوط اسماعیلیان الموت است. این کتاب با نثر کاملاً ادیبانه و نمونه یک نثر فنی که مشحون از اشعار فارسی و عربی است می‌باشد. اگر چه خود جوینی در دستگاه مغولان بود و ناگزیر از تایید آنها، اما باز هم انتقاداتی را از آنان چون در زمینه مالیاتهای غیر منصفانه‌ای که وضع می‌کردند، می‌گرفت.

تاریخ جهانگشا از مهمترین منابعی است که در مورد قوانین یاسا که درباره آموزش نظامی مغولان، ارتباطات، مالیات و ارث پرداخته، که در دیگر منابع این دوره نیامده است و منابع بعدی هم در مورد یاسا از این کتاب استفاده کرده‌اند.

جامع التواریخ: جامع التواریخ تالیف خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر معروف غازان و الجایتو می‌باشد و یکی از منابع بسیار با ارزش آن دوره بحساب می‌آید. این کتاب، در جهان نیز نمونه است زیرا که اولین کتابی است که به تاریخ ملت‌های دیگر چون فرنگیان و چینیان نیز توجه داشته (و همچون مورخان اسلامی که تنها تاریخ ملل اسلامی را می‌نوشتند نبود).

جامع التواریخ، تاریخ عمومی است. در این پایان‌نامه به تاریخ خاص مغولان، ایلخانان و ترکان آن توجه شده است. در جلد اول آن تاریخ طوایف ترک و مغول و سلسله انساب و طبقات و افسانه‌های آنها بیان شده است و جلد دوم آن به تاریخ چنگیزخان و اسلاف و اخلاف آن تا زمان غازان اشاره دارد. اما تاریخ عمومی آن، از روزگار آدم(ع) شروع می‌شود و شامل تاریخ سلاطین قدیم ایران قبل از اسلام و تاریخ پیامبر اسلام(ص) و خلفای اسلام تا زمان انقراض خلافت بدست مغول و سلاطین ایرانی و همچنین اعقاب اتراک و چینی‌ها، عبرانیها، فرنگیان، امپراطورها، هندیان و بودا و مذهبی که آنها تاسیس کردند، می‌باشد.

این کتاب به دستور غازان نوشته شد و برای این کار تمام اسناد و نوشتجات دولتی را در اختیار او قرار داد و علمائی که در تاریخ مغول مطلع بودند در تحت فرمان او قرار گرفتند و هنگام وفات

غازان در سال ۷۰۳ه، جانشین او اولجایتو دستور داد تا خواجه رشیدالدین آن را به آخر برساند و بنام غازان موشح گرداند.

جامع‌التواریخ با توجه به منابع اطلاعاتی که در اختیار داشته اطلاعات غنی در مورد مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد و در رابطه با اوضاع قضایی این دوران نیز به نکات بسیار مفید و مهمی اشاره دارد و مخصوصاً در قسمت اصلاحات غازان و فرامینی که صادر کرده می‌توان به چگونگی روند قضاوت این دوران پرداخت.

تاریخ و صاف: این کتاب به نام تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار تالیف شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی معروف به و صاف‌الحضره است که به تاریخ و صاف شهرت یافته و یکی از مهمترین منابع این دوره می‌باشد که به تاریخ این دوران پرداخته است. و صاف معاصر رشیدالدین و پسرش خواجه غیاث‌الدین محمد بود. و صاف در ۶۹۹ه.ق به تالیف تاریخ خود مشغول شد و بخشی از آن را در ۷۰۲ه.ق در شام به اطلاع و رؤیت غازان خان رساند و در سال ۷۱۲ه در سلطانیه چهار بخش آنرا به اولجایتو تقدیم کرد و بخش پنجم آن را در ۷۱۶ه به پایان رسانید.

تاریخ و صاف در موضوع این تحقیق در واقع مکمل جامع‌التواریخ بوده است اگر چه در قسمت اصلاحات غازان به صورت مختصر به این موضوع پرداخته است ولی به طور کلی از منابع مهمی است که دارای نکات ارزنده در مورد نظام قضایی این دوره است.

تاریخ بناکتی: نام اصلی کتاب روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب است که به اختصار به نام مؤلف تاریخ بناکتی گفته می‌شود. مؤلف آن فخرالدین ابوسلیمان داود بن تاج‌الدین ابوالفضل محمد بن محمد بن داود البناکتی است که از ادیبان و شاعران عهد غازان و اولجایتو و ابوسعید بود و در دستگاه غازان خان سمت ملک الشعرايي داشت. موضوع کتاب تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا جلوس ابوسعید خان در سال ۷۱۷ه.ق می‌باشد. تاریخ بناکتی تلخیص و برگزیده‌ای از جامع‌التواریخ است. این کتاب نیز همانند سایر کتابهای دوره مغول اگر چه اختصاصاً مطالبی در مورد نظام قضایی این دوره نداشتند اما نکات مهمی می‌توان از میان وقایع آن استنباط کرد.

تاریخ گزیده: تالیف حمداله بن ابی بکر بن حمد بن نصر مستوفی است. تاریخ عمومی است که در سال ۷۳۰ه تالیف یافته است. این کتاب نیز همانند تاریخ بناکتی تلخیصی از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله می‌باشد. اما با وجود این نکات مهمی در رابطه با این تحقیق داشته است.

مجمع الانساب: مجمع الانساب تالیف محمد بن علی شبانکاره‌ای، تاریخی عمومی و مختصر می‌باشد از خلقت آدم تا زمان خود مورخ و پایان کتاب یعنی ۷۳۶ه زمان ابوسعید است. در هنگام مرگ ابوسعید و انحطاط حکومت ایلخانیان این کتاب در غارت ربع رشیدی از بین رفت و مورخ

مجبور شد تا روایت دوم و اصلاح شده‌ای از آن را در ۷۴۳هـ به پایان برساند. قسمت اخیر کتابش که مربوط به زمان خود مولف می‌باشد معتبر است و در این تحقیق از این قسمت استفاده شده است و به اشاراتی مهم در مورد اوضاع قضایی در لابلای وقایع تاریخی که بیان داشته می‌توان دست یافت.

دستور الکاتب: دستور الکاتب اثر محمد بن هندوشاه نخجوانی که همانند دو اثر قبل، از منابع پرارزش دوره ایلخانان می‌باشد. این کتاب در اوایل سلطنت اویس جلایری در سال ۷۵۷ق نوشته شده و به او تقدیم کرد. محمد نخجوانی با غیاث الدین پسر رشیدالدین که رجل دولتی بزرگی در دوران آخرین حکمرانان سلسله ایلخانان بود همکاری می‌کرد و فکر تالیف دستور الکاتب نیز چنانکه در دیباچه آمده است به غیاث‌الدین تعلق دارد.

این کتاب شامل مقدمه دو بخش و یک نتیجه است. قسمتی از کتاب به شکل نامه‌ها نوشته شده که شامل نامه‌های جوابیه و شکایات و عرایض و همچنین مکاتبات بین اقشار مختلف طبقه حاکم درباره مسائل مختلف و اکثراً اوضاع اجتماعی یا اقتصادی بعنوان حکمرانان، صاحب‌منصبان آورده است و زندگی شهری و وضع تجارت و راههای تجارتنی و مالیاتهایی که از اهالی شهری و تجار گرفته می‌شد و مدارس و مریم خانها و امور ساختمانی و غیره را شرح می‌دهد.

در این کتاب اصطلاحات اجتماعی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و اداری و قضایی و نیز اصطلاحات و واژه‌های ترکی و مغولی آن دوره به کار رفته است. دستور الکاتب به همراه جامع‌التواریخ تنها منابعی هستند که در مورد مقامات و مناصب قضایی اشاراتی داشتند و با توضیحاتی که در مورد دیوان قضا، یارغو و سایر محاکم دارد و حکم‌های تفویض متصدیان این محاکم و سایر موارد مربوط به امور قضایی این دوره و نظام قضایی حکومت ایلخانان، بسیار مهم بوده است.

روضه الصفا: نام اصلی کتاب «روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا» می‌باشد که بیشتر به جزء اول آن یعنی روضه الصفا معروف است. این کتاب نیز، تاریخی عمومی است و تا جلد هفتم را که تا سلطنت سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۳هـ نوشته است (در جلد پنجم به حکومت ایلخانان می‌پردازد که در این تحقیق از آن استفاده شده است) و در این سال وفات می‌یابد و خواندمیر (صاحب کتاب حبیب السیر) نوه دختریش ادامه تالیفش را بر عهده گرفت و این قسمت که مشتمل بر تاریخ زندگانی سلطان حسین بایقراست تا سال ۹۲۹هـ را شامل می‌شود و مجلدهای هشتم تا دهم را نیز رضا قلی خان هدایت از آن تاریخ تا سال هفتم سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ادامه داده است. ارزش حقیقی و والای روضه الصفا در این است که یک دوره تاریخی عمومی ایران و جهان اسلام است و هر چه به روزگار خود مولف نزدیکتر می‌شود با توجه به دسترسی به منابع و اسناد و شاهدان

عینی ارزش آن نیز بالاتر است در رابطه با دوره مغول این کتاب، مطالبش از جهانگشا، جامع التواریخ و تاریخ وصاف گرفته شده است.

در این پایان نامه دو سفرنامه نیز بسیار استفاده شده است که یکی سفرنامه پلان کارپن است و دیگری سفرنامه مارکوپولو. پلان کارپن شخصی است که از جانب پاپ اینوسان چهارم در سال ۱۲۴۵م به عنوان سفیر به دربار مغولان اعزام گردید. او در این سفارت موفقیت سیاسی بدست نیاورد اما در سفرنامه‌اش اکتشافات جغرافیایی و پژوهش‌های اجتماعی و آگاهی از نیروی جنگی مغولان به بهترین صورت بیان می‌کند اطلاعاتی که بنظر او شگفت آور و دور از حقیقت بود همواره با جمله «می‌گویند» آغاز می‌کند. گزارشات او مبنی بر مشاهدات شخصی و اطلاعاتی از عیسویانی است که در راه با آن برخورد می‌کند. اگر چه گزارشات این سیاح به اوضاع قضایی مغولان نمی‌پردازد ولی آیین و رسوم‌های مغولان را که بسیاری از آنها با عنوان قوانین به کار می‌رفته است بیان می‌کند.

مارکوپولو نیز سفرنامه‌اش را در سال ۱۲۷۱م در سن هفده سالگی به همراه پدر و عمویش آغاز کرد، سه سال طول کشید تا مسافران به دربار قوییلای خان رسیدند و در آنجا بعد از آشنایی با عادات و آداب مغولان، از طرف خان به ماموریت‌هایی به ایالات دور دست چین رفت. و در آنجا هر چه در مورد رسوم عجیب مردم آنجا دید نوشته است. در این سفرنامه مشخصات نژادی و مذهبی و اجتماعی بعضی ملل بخصوص مردم ارمنستان، اران، هندوستان و تاتارستان و ملی که از ونیز در ایتالیا تا پکن بر سر راه این سیاح بوده‌اند ثبت شده است. این سفرنامه نیز همانند سفرنامه پلان کارپن اشاراتی به آیین و عاداتی که با قوانین آنها پیوند داشته است، دارد و فاقد مطالبی در مورد چگونگی قضاوت آنها می‌باشد.

بخش اول: نظام قضایی ایران قبل از ایلخانان

فصل اول: نظام قضایی ایران پیش از اسلام

قضاوت در دوره باستان مبنی بر احکام و مقرراتی که در تمام کشور جاری باشد نبود و آداب و رسوم‌های گوناگون در مناطق مختلف کشور، با توجه به گستردگی قلمرو آن که شامل کشورهای بیگانه نیز می‌شده است در طریقه دادرسی مؤثر بودند و باعث می‌شد که نظام قضایی یکسانی وجود نداشته باشد. و نهادها و تأسیساتی قضایی هم که در دوره‌های مختلف وجود داشته با توجه به منابع مختلف قضاوت، متفاوت بودند. اما مشخصه مشترکی که در این دوره‌ها وجود داشت آمیختگی امور حقوقی و قضایی با دین و مذهب بود و مغان که متولی امور دینی بودند، قدرت و نفوذ قابل توجهی در این زمینه داشتند.

اکثر منابعی که از دوره باستان در دست داریم بیشتر مربوط به عصر ساسانی است به همین دلیل هم در این دوره مطالب بیشتر می‌باشد و بالعکس در دوره اشکانی به علت قلت منابع، مطالبی که روشن‌کننده وضع قضایی این دوره باشد کمتر است. و در واقع همان آیین و قوانین عصر هخامنشی در ایران و آزادی ادیان بین ملل تابعه اشکانیان ادامه یافت.

این فصل و فصل‌های بعدی این بخش، همانطور که در مقدمه گفته شد توضیحات مختصری جهت آشنایی با نظام قضایی ایران از دوره باستان تا موضوع اصلی که، نظام قضایی حکومت ایلخانان در قرن هفتم هجری است، می‌باشد. تا در طی آن روند قضاوت و تأثیرات این دوره‌ها بر آن مشخص شود و دگرگونی‌هایی که در دوره ایلخانان نیز به وجود آمد، بررسی گردد.

۱- منابع قضاوت

الف) منابع احکام قضایی

در امپراطوری هخامنشی که مرکب از اقوام و ملل مختلف بود قانون واحدی در سراسر کشور وجود نداشت. البته می‌توان قوانینی را که مبنای قضاوت بودند در سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: ۱- آداب و رسوم: آداب و رسوم نقش اصلی در دادرسی و قضاوت داشته است اما حق ثابتی را در مقابل شاه ایجاد نمی‌کرده و این عادات تا زمانی محترم بوده است که مخالف منافع و مصالح شاه و سیاست عمومی کشور نبودند. به طور کلی می‌توان گفت عادات و رسوم گوناگون باعث می‌شد که در دعاوی خصوصی و خانوادگی و همچنین در مسائل مربوط به احوال شخصی معیار قضاوت و عدالت باشند. ۲- مذهب: اگر چه دین زردشتی در دوره هخامنشیان به اندازه ساسانیان نفوذ نداشت و مغان و روحانیون مذهبی نسبت به دوره ساسانیان از قدرت و نفوذ کمتری برخوردار بودند، با وجود این، با توجه به اوستای هخامنشی، استنباط